

آينه

لغت

تحصیل و الزامات قانونی

● **بهن کشاورز**: درخصوص لایحه برخورداری از تحصیل برای همگان در دوره‌های آموزش عالی... اصول حاکم بر نحوه آموزش از اولین مراحل تا سطوح عالیه در اصول قانون اساسی پیش‌بینی شده است و بنابراین حق آموزش از حقوق ملت ایران است و محروم‌کردن افراد از آن اصولا میسر نیست. مگر در شرایط خاص و به حکم قانون. گمان می‌رود در لایحه مذکور آنجا که محروم‌کردن افراد از تحصیلات در موارد خاصی تجویز شده است، چندان قابل دفاع نیست... در بندهای ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی که بیانگر مجازات‌های تکمیلی و تبعی است [ممنوع‌التحصیلی، پیش‌بینی نشده بلکه [برعکس] در بند «۴» ماده ۲۳ حتی الزام به تحصیل از مجازات‌های تکمیلی و تبعی تلقی شده است... لذا نمی‌توان کسی را به‌عنوان مجازات تبعی از تحصیل محروم کرد و این ارتباطی به نوع جرم ارتکابی ندارد.

ایران

اگر قصوری داشتم عذرخواهی می‌کنم

● **در گفت‌وگو با قربانعلی دری‌نخج‌آبادی...** عملکرد ما قابل‌قبول بوده است. طبیعی است که اگر جنگ رخ نمی‌داد یا دشمنی‌های آمریکا، اسرائیل و آل‌سعود و حتی جنایت‌های منافقین نبود، طبعاً امروز کشور وضعیت دیگری می‌داشت... حال علت این ناراضیاتی، می‌تواند مهاجرت از روستاها و زندگی در حاشیه شهرها باشد، زیرا در زمینه مدیریت حاشیه‌نشینی نمره ما منفی است... طبیعتاً با امکانات فعلی کشور نمی‌توان به همه این تقاضاها پاسخ داد... انتقادها باید حکیمانه و بجا باشد. تخریب مسجد چرا؟ مگر مسجد چه گناهی کرده است؟ مسجد از ابتدا پایگاه انقلاب و عظمت کشور و در طول اعصار، پناهگاه ملت بوده است... شهید مدرس‌ها و شیخ فضل‌الله‌ها بودند که برای دفاع از منافع و حقوق ملت به شهادت رسیدند... بخش زیادی از این اتفاق‌ها، ناشی از تبلیغات دشمن دس، دشمن است که نارسایی‌ها را به سمت روحانیت سوق داده و می‌دهد. وقتی وزیر خارجه آمریکا علناً اسم آیت‌الله مکارم‌شیرازی را مطرح و از ایشان به‌عنوان سلطان شکر‌باد می‌کند، این یک نوع تخریب علنی و ناشی از دشمنی نسبت به علما است. یا شاهد هستیم که هرازگاهی درباره رهبر معظم انقلاب، رئیس قوه قضائیه و دیگر علما و بزرگان نیز مطالبی مطرح می‌شود... اکثریت روحانیت همین‌طور فکر و همین‌طور زندگی می‌کنند. اساساً چاره‌ای جز ساده‌نستی ندارند، زیرا امکانات اکثریت روحانیت به آنان اجازه نمی‌دهد که زندگی مبتنی بر ولخرجی داشته باشند... در این میان، ممکن است قصه درآمد و دارایی ۱۰ تا ۱۵ درصد روحانیت متفاوت باشد.

پایه نظریات

افزایش حقوق کارمندان دولت از کجا و چگونه؟

● **حمید آذرمند**: با قرار است این افزایش حقوق از محل کاهش اعتبارات عمرانی یا از محل برداشت رایالی از منابع صندوق توسعه ملی یا فروش اوراق و ایجاد بدهی جدید تأمین شود. هر یک از شیوه‌های مذکور عوارض متفاوتی خواهد داشت. افزایش حقوق کارمندان دولت از محل برداشت رایالی از صندوق توسعه ملی، به معنی افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی و افزایش پایه پولی است و به سرعت آثار تورمی دارد. اگر افزایش حقوق کارمندان از محل ایجاد بدهی‌های جدید دولتی و فروش اوراق تأمین شود، عوارضی مانند افزایش نرخ سود و همچنین مشکلاتی مانند انباشت بدهی‌های دولت و مشکل بازپرداخت بدهی‌ها در دوره‌های بعد را خواهد داشت. اگر افزایش حقوق کارمندان از محل کاهش اعتبارات عمرانی باشد، این مسئله منجر به کاهش تشکیک سرمایه‌گذاری و عمیق‌ترشدن رکود می‌شود... در پایان لازم به تأکید مجدد است که در شرایط فعلی امکان اجرای برنامه‌های حمایتی گسترده و یا پوشش همگانی وجود ندارد و به ناچار برنامه‌های حمایتی دولت باید منحصر ادهک‌های درآمدی پایین و گروه‌های آسیب‌پذیر را هدف قرار دهد.

کیم‌یان

مشکلات اقتصادی کشور ریشه در اندیشه‌های التقاطی غرب‌گرایان دارد

● **در گفت‌وگو با حسین مصمصای**: [در ایران] بر مکتابی همچون نهادگرایسی، بازارگرایی یا نیوکیزینی تأکید شده، درحالی‌که اگر مبانی اینها به‌درستی‌شان می‌شد و می‌دیدیم که این تئوری‌ها بر چه مبنایی شکل گرفته است، هیچ‌وقت به شکل کنونی از این نظریه‌ها استفاده نمی‌کردیم. این کج‌فهمی باعث گردید به این مکاتب استناد شود و مثلاً بگویم نهادگرا یا نیوکیزین هستیم. پیش از هر چیز باید بدانیم تئوری‌هایی که به‌عنوان اقتصاد در دانشگاه‌ها بحث می‌شود، عمدتاً بر بستر اقتصاد سرمایه‌داری شکل گرفته است... این مجموعه ابتدا یک معرفت‌شناسی دارد که ارتباطش را با خدا روشن می‌کند. سرمایه‌داری، معرفت‌شناسی خود را از فلاسفه‌اش می‌گیرد... در ادامه بحث سکولاریسم هم مطرح می‌شود. سکولاریسم، به‌طورکلی مباحث دینی را در ساخت نظام اجتماعی کنار می‌گذارد و در ساخت نظام اجتماعی، گزاره‌های خود را هیچ‌گاه از دین نمی‌گیرد. بنابراین وقتی می‌گویید دین گفته پیره حرام است، می‌گویید اصلاً دین را قبول نداریم... در اسلام نظام اقتصادی داریم. اسلام دین کاملی است.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

ناگفته‌های پایان جنگ در گفت‌وگو با سردار حسین علایی:

تداوم جنگ در غیاب دیپلماسی

استراتژی هاشمی پایان جنگ با برتری نظامی و از طریق مذاکره بود



شرق: ۳۰ سال از پایان جنگ هشت‌ساله ایران و عراق می‌گذرد. باوجوداین، هنوز هم موضوعات مربوط به این جنگ مورد توجه افکار عمومی است و بحث روز. در میان تمام سوزهای ریزودرشت، «ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر» جایگاه ویژه‌ای دارد و موافقان و مخالفانی جدی. جنگ تحمیلی، ۳۱ شهریور۱۳۵۹ به‌طور رسمی آغاز شد. ایران، گرم انقلاب و درگیر کشمکش‌های داخلی، حالا باید در طولانی‌ترین مرز زمینی خود با کشوری دیگر، با همان کشور می‌جنگید. از حدود ۳۰ روز بعد از آغاز جنگ تا سوم خرداد ۱۳۶۱، یعنی تا عملیات پیروزمندانه «الی بیت المقدس»، خرمشهر در دست دشمن بود. به این اعتبار، در بازخوانی تاریخ جنگ، الی بیت المقدس نقطه عطف است. بسیاری از تصمیم‌سازان آن روزگار درباره آنچه در هیئت‌های تصمیم‌گیری ایرانی می‌گذشت، گفته‌اند. این گفته‌ها حالا به‌عنوان مواد تاریخی در اختیار تحلیلگران قرار گرفته تا با استفاده از آنها به تجزیه‌وتحلیل بپردازند. در آستانه سالگرد شروع جنگ تحمیلی، دريادار حسین علایی در گفت‌وگو با «جماران» دوباره دست روی این نقطه تاریخی گذاشته است. او از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در دوره جنگ بود و اولین فرمانده نیروی دریایی این نیروی نظامی. او در دولت حسن روحانی مدیرعامل شرکت هواپیمایی آسمان شد، اما حالا قدم‌هایی است که از این سمت کناره‌گیری کرده است. علایی در دوران تصدی این سمت، تمایلی برای مصاحبه سیاسی یا حتی درباره جنگ نداشت، اما حالا دوباره در رسانه‌ها حضور پیدا کرده تا تحلیل خود را از گذشته بیان کند. نکته قابل‌توجه این گفت‌وگو تأکید این سردار جنگ بر جای خالی دیپلماسی در دوره جنگ است. او با دست‌گذاشتن بر این نکته حتی نشان می‌دهد که اگر دیپلماسی فعال و مستقل در آن دوران وجود می‌داشت شاید فرایند تصمیم‌گیری‌ها سمت‌وسوی دیگری پیدا می‌کرد. در ادامه، بخش‌هایی از این گفت‌وگو را که به جنگ ایران و عراق مربوط است از نظر می‌گذرانید.

آقای محسن رضایی، فرمانده کل سپاه، هم در آن جلسه بوده‌اند و ایشان در جلسه اول نبوده‌اند. دوباره که بحث می‌شود، امام نظرشان را می‌دهند و تیمسار ظهیرنژاد می‌گوید باید به یک عارضه طبیعی برسیم تا بتوانیم پدافند خوب و مطمئن انجام دهیم. فرمانده کل سپاه هم نظر تیمسار ظهیرنژاد را تأیید می‌کند. سایر مسئولانی که در جلسه حضور داشتند، هیچ‌کدام با این نظرات مخالف نمی‌کنند یا حداقل من چیزی از آنها نشنیده‌ام یا سندی ندیده‌ام که مخالف کرده باشند.

من از آقای هاشمی‌رفسنجانی هم پرسیدم؛ ایشان هم تقریباً همین را می‌گفتند. اخیراً آقای احمد عزیزی را که قائم‌مقام وزیر خارجه در آن زمان بودند و کتاب خاطراتشان را به نام «شتای عمر» منتشر کرده‌اند دیدم که ایشان هم در آن جلسه شورای‌عالی دفاع حضور داشته‌اند. می‌گویند وقتی آنها استدلال کردند که ما باید از مرز عبور کنیم و خودمان را به از روندرو بردانیم، امام نگران جان مردم بی دفاع عراق بودند، می‌گفتند اگر ما

بخواهیم از این مسیر برویم ممکن است خدای‌ناکرده کسی آنجا کشته‌شود، ولی بعد از اینکه استدلال‌ها انجام شد، این را از قول آقای عزیزی می‌گویم که در کتابشان هم نوشته‌اند، امام می‌گویند اگر برای دفاع است مانعی ندارد. بنابراین در اینجا امام مجوز عبور از مرز را صادر می‌کنند.

نکته بعدی قابل‌توجه این است که در آن ایام پس از فتح خرمشهر در ایران مسئولان دولتی، احزاب سیاسی، گروه‌های مختلف و حتی منتقدان، هیچ‌کدام با ادامه جنگ و عبور از مرز مخالفت نکردند. حداقل تا تیرماه که عملیات رمضان انجام شد؛ یعنی بیش از یک ماه پس از فتح خرمشهر ما هیچ سند و مدرکی پیدا نکردیم که در ایران یا حتی خارج از ایران، صاحب‌نظران سیاسی و مسئولان، کسی با عبور از مرز مخالفت کرده یا طرح پایان جنگ را مطرح کرده باشد. بعد از اینکه ما در عملیات رمضان موفق نشدیم، این مسئله که «خوب بود پس از فتح خرمشهر جنگ را تمام می‌کردیم» مطرح و در سال‌های پس از جنگ این مسئله بروز کرد. در همان روز، صرفاً به‌عنوان یک تجربه، نه به‌عنوان زیرسؤال‌بردن تصمیمات آن زمان، این مطلب را عرض می‌کنم که فکر می‌کنم اگر ما در دوران دفاع مقدس، دستگاه سیاست خارجی فعالیت‌تری داشتیم که ارتباطات بین‌المللی قوی‌تری داشت، خوب بود که در همان جلسه شورای‌عالی دفاع از نظر امام حمایت می‌کردند.

نیروهای ما وارد خاک عراق شدند، دیگر حمایت‌ها عراق آشکار شد. اتفاقاً یکی از نگرانی‌های امام همین موضوع بود. امام در جلسه شورای‌عالی دفاع مطرح کرده بودند که تا الان ما در داخل خاک خودمان دفاع می‌کردیم و بنابراین، مردم و ارتش عراق ابهام داشتند. اگر ما به داخل خاک عراق برویم، برعکس خواهد شد. ممکن است آنها انگیزه دفاع از وطن پیدا کنند و جدی‌تر بجنگند. نکته بعدی این بود که گفتند کشورهای عربی، بیشتر به حمایت عراق می‌روند و همین هم اتفاق افتاد. درمراحل ما دیگر به مسیری افتادیم که تصور می‌کردیم با عملیات‌های نظامی، پیروزی‌های بزرگ به دست می‌آوریم و برای رسیدن به آن پیروزی‌های بزرگ، تلاش می‌کردیم. از طرفی عراق نیز حاضر نبود کوتاه بیاید. علت اینکه جنگ تداوم پیدا کرد، این بود که عراق هیچ موقع شورش‌های خود را که من معاهده ۱۹۷۵ را پذیرفتم، ما در مسیری افتادیم که به نظر در آنجا باید کشور استراتژی جدیدی برای جلوگیری پایان‌دادن به جنگ، تعیین می‌کرد. استراتژی آقای هاشمی‌رفسنجانی این بود که ما جنگ را پایان دهیم؛ ولی با دست برتر از نظر نظامی در برابر عراق و از طریق مذاکره، البته استراتژی آقای محسن رضایی هم شکست‌دادن ارتش عراق با افزایش قواي رزمی

به چند برابر با بسیج همه ظرفیت‌های کشور بود. آن استراتژی این بود که ما قدرت نظامی خود را به قدری تقویت کنیم که در جبهه‌ها بتوانیم ارتش عراق را شکست دهیم و با تسلیم‌شدن ارتش عراق، قاعدتاً صدام حسین یا به طور کامل شکست خواهد خورد یا اینکه شرایط ما را خواهد پذیرفت. هیچ‌کدام از این دو استراتژی مدون نبود و بیشتر در جلسات مطرح می‌شد.

● **اگر شما خودتان را جای مخاطب ما قرار دهید، به او حق نمی‌دهید که بگوید نگرانی‌هایی که امام از اول داشت، درست بود و ای کاش مسئولان به همان‌ها توجه می‌کردند؟**

کسی در آن زمان نمی‌دانست چه اتفاقی می‌افتد. بعدازآن امام می‌توانستند به استراتژی قبلی خود برگردند.

● **ولی دیگر عملیات‌ها شروع شده بود.**

اشکال ندارد. بالاخره خود امام جمله‌ای دارند که می‌گویند حرف مرد یکی نیست. حرف مرد می‌تواند دو تا باشد و ما اگر رقیتم و دیدیم که استراتژی ما جواب نمی‌دهد، می‌توانیم حرف‌مان و راهبردمان را عوض کنیم. همان‌طور که آخر جنگ، امام استراتژی و حرشان را عوض کردند.

● **فکر نمی‌کنید که همین ۵۹۸ یا قطع‌نامه‌های قبل از آن را زودتر می‌توانستیم بپذیریم؟**

محتوای هیچ‌کدام از قطع‌نامه‌های قبلی مثل قطع‌نامه ۵۹۸ نیست. تمام قطع‌نامه‌هایی که سازمان ملل صادر کرده، تقریباً همگی در حمایت از عراق است. هیچ‌وقت این قطع‌نامه‌ها بی‌طرفانه نبود. همیشه قطع‌نامه طوری تنظیم شده بود که عراق با آن قطع‌نامه می‌توانست موفق شود. البته شاید یکی از نقایص به ساختار دستگاه دیپلماسی ما برمی‌گشت؛ یعنی ما در مجامع بین‌المللی به‌ویژه در شورای امنیت سازمان ملل، خیلی تصدی نبودیم. با غیرمتعهد‌ها و سازمان کنفرانس اسلامی فعال بودیم؛ ولی اینها خیلی توانایی تأثیر روی روند جنگ را نداشتند. قدرت‌های بزرگ توانایی تأثیر روی جنگ را داشتند و ما با قدرت‌های بزرگ خیلی کار نمی‌کردیم.

● **خود آقای هاشمی و امثال او که آن موقع طرفدار مذاکره بودند، چرا در این قضیه فعال نشدند؟**

فضای کشور این نبود.

● **بالاخره زمانی هم با مک‌فارلین به صورت محرمانه...**

دیدید که نگذاشتند به نتیجه برسد. من معتقدم دستگاه دیپلماسی، صرف نظر از اینکه رهبری چه نظری دارند، باید کار کارشناسی خود را انجام دهد. دستگاه دیپلماسی ما در آن زمان خودش را مطیع امام می‌دانست و وقتی امام می‌گفت «جنگ، جنگ تا پیروزی»، شاید تفسیر آنها این بود که ما باید از طریق نظامی به پیروزی برسیم؛ ولی شاید نظر امام این بود که جنگ، جنگ تا پیروزی، یعنی با کمک دستگاه سیاست خارجی و دیپلماسی نیز جلو برویم. به نظر من باید دستگاه دیپلماسی می‌آمد و دائم نظرات کارشناسی مختلفی را به امام ارائه می‌کرد.

● **به نظر شما اگر دستگاه دیپلماسی قوی بود، امکان داشت زودتر بتوانند با طرح میانجیگری موافقت کنند یا طوری آن را شکل دهند که جنگ به آن طرف برود؟**

تدوین قطع‌نامه ۵۹۸ را سازمان ملل شروع کرد؛ با حمایتی که آمریکا و شوروی و قدرت‌های حاکم بر سازمان ملل کردند. آنها دنبال این کار افتادند و حتی پیش‌نویس قطع‌نامه ۵۹۸ را آلمان شروع به تهیه کرد. دستگاه دیپلماسی ما که در شورای امنیت سازمان ملل فعالیت‌تر بود و با آنها کار می‌کرد، می‌توانست طرح خودش را مثل همین قطع‌نامه ۵۹۸ مدون کند و بدهد و بگوید ما با این طرح آمادگی داریم جنگ را خاتمه دهیم.

● **مسئله‌ای که درباره جنگ مطرح می‌شود و برخی از فرماندهان سپاه بارها به آن اشاره کرده‌اند، حمایت از جبهه است. آنها معتقدند امکان‌های کشور به اندازه کافی برای مدیریت جنگ بسیج نشده بود. آیا دولت می‌توانست بیش از آن، بودجه یا امکانات در اختیار جنگ قرار دهد؟**

الان نمی‌شود درباره اینها قضاوت کرد؛ ولی آن‌موقع بر سر این مسئله بحث بود که ما یک توانایی داریم...

● **کجا بحث بود؟ یعنی در بین فرماندهان سپاه؟** کسانی که داخل جبهه‌ها بودند؛ منحنی توان رزمی ایران عراق را که می‌کشیدیم، همیشه توان رزمی عراق بر ما برتری داشت و ضریب رشد توان رزمی عراق بالاتر از ضریب رشد توان رزمی ایران بود. بنابراین همیشه توازن قوا به نفع ارتش عراق بود؛ ولی ما در عملیات‌ها به برتری تاکتیکی توازن قسوا را به نفع خودمان تغییر می‌دادیم. مثلاً در عملیات قوا، ما بر برتری طرح‌ریزی عملیاتی و تاکتیکی بر ارتش عراق پیروز شدیم؛ نه با برتری قوای مسلح. در جبهه این بحث مطرح بود که اگر کشور بتواند سرمایه‌گذاری عظیم‌تری برای جنگ داشته باشد، آن‌وقت ما می‌توانیم موفقیت‌هایی را که شب عملیات به دست می‌آوریم، تداوم دهیم. از طرف دیگر، کسانی که مسئول اداره کشور بودند، باید تصمیم می‌گرفتند. آنها می‌گفتند ما تمام درآمدمان را دو قسمت می‌کنیم؛ یک قسمت را صرف معیشت مردم می‌کنیم و یک قسمت را هم به جنگ می‌دهیم. بنابراین تمام توان کشور همین است.

ادامه در صفحه ۱۵

روزنه

رئیس‌جمهور در شورای عالی انقلاب فرهنگی:

دانشگاهیان نقش مهمی در روحیه آفرینی و آگاهی‌بخشی به مردم دارند

● **ایسنا**: حسن روحانی عصر سه‌شنبه در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، به تحلیل شرایط موجود و توطئه دشمنان نظام اسلامی برای ضربه‌زدن به اقتصاد کشور و ایجاد مشکل در زندگی مردم پرداخت و گفت: «با وجود رهبری شجاع و مدبر و مردم فداکار و مصمم از این مرحله نیز عبور خواهیم کرد؛ اما همه مسئولان، تربیون‌داران، احزاب و رسانه‌ها در معرض امتحان قرار دارند». روحانی به برخی از واقعیت‌های اقتصادی کشور، از جمله افزایش صادرات کاهش واردات کشور در شش ماه اخیر نسبت به مدت مشابه سال قبل اشاره کرد و گفت: «ملت و دولت کنار یکدیگر هستند و دستگاه اجرائی با تمام توان به‌دنبال حل مشکلات مردم خواهد بود». رئیس‌جمهور ضمن اشاره به آمار رشد ۲۰ درصدی نقدینگی کشور در یک سال گذشته، نقدینگی را به‌ویژه وقتی با منشأ پایه‌پولی باشد، به سمت تولید و اشتغال، افزود: «بخش قابل ملاحظه‌ای از افزایش شش‌ماه‌ای در سال‌های اخیر مربوط به فعالیت مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز بود، درحالی‌که علی‌رغم روال گذشته، این دولت هرگز برای اداره کشور در بی استقراض از بانک مرکزی نبود». رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی به نقش مهم دانشگاهیان در روحیه‌آفرینی، امید و آگاهی‌بخشی به جامعه نیز تأکید کرد. روحانی همچنین به حجت‌الاسلام والمسلمین رستمی، رئیس جدید نهاد نمایندگی رهبر معظم انقلاب در دانشگاه‌ها، خیرمقدم و از خدمات حجت‌الاسلام والمسلمین محمدیان در سال‌های تصدی مسئولیت این نهاد قدردانی کرد. در ادامه جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، شرح وظایف سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان به تصویب رسید و اعضای هیئت امنای این سازمان انتخاب شدند. بر این اساس وزرای آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت درمان و آموزش پزشکی و معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، دو نفر از فارغ‌التحصیلان این مدارس از جمله اعضای هیئت امنای سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان انتخاب شدند.

صالحی:

اگر قرار باشد به عقب برگردیم در موضعی بسیار بالاتر قرار می‌گیریم



● **رئیس سازمان انرژی اتمی ایران** با بیان اینکه امیدوار است توافق هسته‌ای ادامه یابد، گفت: اگر این اتفاق نیفتد، برنامه هسته‌ای ایران قوی‌تر از هر زمان دیگری خواهد بود. به گزارش «ایسنا» علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران روز گذشته در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرگزاری آسوشیتپرس گفت امیدوار است توافق هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی ادامه یابد، در غیر این صورت برنامه هسته‌ای ایران تسریع خواهد شد. او در ادامه هشدار داد که اگر یک حمله دیگر علیه دانشمندان هسته‌ای ایران انجام شود، پیامدهای آن ناگوار خواهد بود. صالحی همچنین گفت: خروج رئیس‌جمهور آمریکا از توافق هسته‌ای او را در طرف بازنده تاریخ قرار داده است. این توافق می‌توانست راه را برای ایجاد اعتماد و اطمینانی که از دست داده بودیم، هموار کند. رئیس سازمان انرژی اتمی کشورمان به آسوشیتپرس گفت: از نظر من ترامپ در طرف بازنده است؛ چراکه منطق قدرت را دنبال می‌کند. او فکر می‌کند که می‌تواند ادامه دهد اما من قطعاً بر این باورم که او از این اقدام (خروج از توافق) نفعی نخواهد برد؛ قطعاً، نه. صالحی در ادامه از تلاش ایران برای ساخت یک تأسیسات جدید در سایت غنی‌سازي اورانیوم فردو سخن گفت که قرار است سانتریفیوژ‌های پیشرفته بیشتری تولید کند. این ماشین‌ها از طریق گردش سریع هگزافلوراید اورانیوم، اورانیوم غنی‌سازی می‌کنند. طبق توافق هسته‌ای، ایران محدود به استفاده از سانتریفیوژ‌هایی با مدل پایین‌تر، موسوم به IR-۱s است اما این تأسیسات جدید به ایران اجازه می‌دهد مدل‌های پیشرفته‌تر IR-۴، IR-۶ و IR-۲۰ را تولید کند که اورانیوم را با سرعت بسیار بالاتری غنی‌سازی می‌کند. صالحی تأکید کرد: اگر ما قرار باشد به عقب بازگردیم و از توافق هسته‌ای خارج شویم، به‌طورقطع به نقطه‌ای که قبلاً بودیم، بازمی‌گردیم. ما به‌طور حتم در موضعی بسیار بسیار بالاتر قرار خواهیم گرفت.